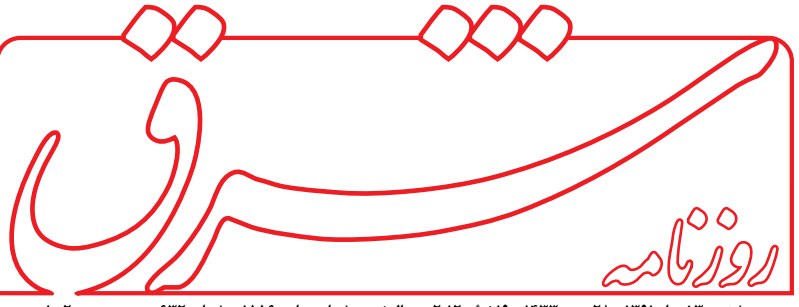




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران  
 صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان  
 نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف  
 تلفن: ۸۸۶۵۳۳۹۱-۲، شماره: ۸۸۸۸۰۷۱۹، تلفن آگهی: ۸۸۶۵۸۵۷۵  
 امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۳۳  
 توزیع: شرکت پیام‌سان پیروز، تلفن: ۵-۶۶۱۸۱۳۱۰  
 چاپ: گلریز، تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶  
 www.sharghnewsaper.ir

تهران: آذان ظهر ۱۳:۰۶ آذان مغرب ۲۰:۴۴ آذان صبح فردا ۴:۰۲ طلوع آفتاب ۵:۴۹



سه‌شنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۱ = ۲۸ رجب ۱۴۳۲ = ۱۹ ژوئن ۲۰۱۲ = سال نهم = شماره پیاپی ۱۵۵۶ = شماره ۶۲۲ دوره جدید = ۲۰ صفحه



### دوتار نواز برجسته ایران در گذشت

خبر اتلانی: عبدالله سروراحمدی دوتار نواز برجسته خراسانی جان به جان آفرین تسلیم کرد، او متولد ۱۳۲۸ و کارمند بازنشسته وزارت نیرو (سازمان آب) بود. استاد سروراحمدی از سال ۶۹ تا ۷۱ سه‌سال بی‌دری در جشنواره موسیقی فجر به عنوان چهره برتر شناخته شد و بعد از آن به کسوت مشاور هیات داوران این جشنواره در آمد. علاوه بر اجراهای داخلی، استاد عبدالله سروراحمدی در بسیاری از کشورها به دوتار نوازی پرداخت که از آن جمله می‌توان به اجرای برنامه در فرانسه، آلمان، ژاپن و نیز دوتار نوازی بربر پاپ ژان پل دوم اشاره کرد. بیکر این استاد برجسته موسیقی مقامی، سه‌شنبه در تربت جام تشییع و به خاک سپرده می‌شود.

### ادامه‌از صفحه اول

#### «رسانه‌های شدن شریعتی» و «شریعتی رسانه‌های شده»

در واقع نحوه انعکاس شریعتی در شبکه‌های اجتماعی خود حاکی از خوانش اندیشه‌ها و بخش‌هایی از جامعه است، چنانکه در تحلیل محتوای طنزها و حتی هزل‌هایی نیز که از این زاویه درباره او منتشر می‌شود، باید نشانه‌های «کارناوالی شدن» فرهنگ را به گونه‌ای که می‌تواند با خنثی‌سازی و فرهنگی دید. به نظر باخترین در این وجه ارتباطی و فرهنگی؛ شوخی، افرق و گراف‌گویی و طرح مسایلی که نه تنها در فضاهای رسمی بلکه حتی در عالم آکادمیک ممنوع و نامرسوم است، معمولی است و استفاده از زبان و رفتار مستخره و غیررسمی محرومیت دارد. به این اعتبار، برخورد کارناوالی، خود یک پدیده اجتماعی است که تمایل به گشودن انسدادهای گفتاری دارد. در چنین موقعیتی به تعبیر او «انزورناالیستی هم ریشه‌ها و شاخه‌های قوی کارناوالی پیدا می‌کند».

با چنین واقعیت‌هایی ۳۵ سال پس از شریعتی چگونه جامعه می‌تواند از «رسانه‌های شدن شریعتی» بهره بهتر برده یا حداقل کمتر زسان پینند به نظر می‌رسد این فرآیند پیدا کردن نسبت میان متنی به نام شریعتی و گفتار او با فضای رسانه‌های اهمیت ویژه‌ای داشته باشد. شریعتی نه تنها در جامعه ما بلکه در جهان پیرامون ما به گفتاری تبدیل شده است که چه بخواهیم و چه نخواهیم نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم. گفتارها را با دسترس نمی‌سازند و با آرزو نمی‌توانند جمع کنند؛ گفتارها ساخته می‌شوند و حیات دارند. گفتار را نباید با متن اشتباه گرفت. گفتار مجموعه عناصر، لوازم و شرایطی است که چنانچه گرد هم آیند متن را به وجود می‌آورند، بنابراین متن، حاصل و نتیجه گفتار است. به سخن دیگر گفتار فرآیند است و متن فرآورده آن است، گفتار پویا و متن ایستاده است.

واقعیت این است که پدیده‌های بنام «گفتار شریعتی» در فرهنگ ما هنوز حضور دارد که متن، زبان و سخن او به صورت مکتوب و نامکتوب، جدی و شوخی بخشی از آن می‌شود. به این اعتبار گفتار شریعتی رویدادی ارتباطی نیز هست و باید علاوه بر توجه به صورت زبانی و اطلاعاتی آن این دستنه از مسایل را نیز شناخت که چه کسی، چرا و در چه زمانی از آن «صورت زبانی» بهره گرفته است. گفتار شریعتی با واحدی بزرگتر از جملات و پروکار دارد. گفتار شریعتی را بی‌توجه به زمینه آن، زامه او و گفتارهای رقیبش نمی‌توان شناخت و به درستی رسانه‌ای کرد.

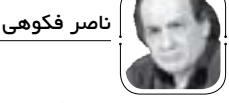
۴) در شناخت واقعی‌تر شریعتی و گفتار او آنچه راهگشاست، فهم جایگاهی است که شریعتی در آن ایستاد و از آنجا سخن گفت. من سال پیش در صحبتی که پیرامون «شریعتی و علوم انسانی» در بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی داشتم از این جایگاه به عنوان در «مرز بودگی» و به تعبیر فوق‌بیش‌ش هتروپیا یا «درهمستان» نام بردم. درهمستان یا هتروپیا از نظر فوکو مکان‌هایی واقعی هستند که فضاهای آرمانی و اوتوپیا را که مکان واقعی ندارند، بازتاب می‌دهند. «درهمستان» دگرمانکی است که با مکان‌های دیگر هم مشترکات دارد و هم وجوه تمایز؛ حسینیه انزاد که مکان شکل‌گیری گفتار شریعتی است، مکانی از این دست بود، با مسجد، با دانشگاه، با پاتوق‌ها و محافل روشنفکری، با مکان‌های رسمی قدرت و با فضاهای رایج انقلابی در یک زمان هم وجود اشتراک داشت و هم وجوه افتراق. از این رو در قیاس با فضاهای بسته و حصارمند فهم در ایران، «درهمستان» شریعتی افقی باز بود و با همه اق‌های باز نسبت داشت. فضای شریعتی در آن می‌اندیشید و سخن می‌گفت، هیچ یک از فضاهای نمادین «دانشمندان»، «روشنفکران» و «سیاست‌ورزان» نبود در حالی که راهی به همه آنها هم داشت. به این معنا اندیشه و آگاهی متولد شده توسط شریعتی، آگاهی و اندیشه‌ای بود که وجه غالب آن گفتگو، نقدکنندگی و نقدشوندگی بود و همین مایه دوام و بقای آن گفتار در فرازا و فرودهای ایام شد.

۵) برای رسانه‌های شدن این گفتار و کم کردن فاصله میان «شریعتی رسانه‌های شده» با «شریعتی واقعی» شاید درست‌تر این باشد که از فرصت‌های رسانه‌های استفاده‌ای واقعی‌تر بهره شود. شریعتی هم مثل میراث‌های فرهنگی دیگر نه باید و نه می‌تواند در تاریخ منجمد شود. شریعتی و گفتار او را باید به‌روز خواند و در روز از آن سخن گفت و این کار نسلی است که پس از شریعتی آمده و انصافا درباره او کارهای کارستانی نیز کرده است. ضرورت انجام این مهم را باید جدی گرفت و فرصت‌های رسانه‌ای را در این باب باید بیشتر به جوان‌های محقق، اخلاق‌مدار و دور از جودگی‌های رایج سپرد. به این اعتبار بازخوانی شریعتی و فهم گفتار او از سوی نسل جوانی که جامعه و جهان امروز را می‌شناسد، بازتاب مناسب این خوانش و فهم خردورزانه و اخلاقی در رسانه‌ها، مساله‌ای است واقعی، حتی مطلوب و بهتر آنکه پیناهنگان و نابغه‌های این راه هم این گفته «مید» را بپذیرند:

رسیده‌ایم من و نوبتم به آخر خط نگاه دار جوان‌ها بگو سوار شوئند  
 \*مدیرعامل موسسه بین‌المللی گفتگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها

### واژگان یک فرهنگ

#### «حمام»: زیر دوش آب سرد



ناصر فکوهی

عمومی» و مشاغل مربوط به آنها مثل «دلاک»-ها و «کیسه‌کش»-ها را که به فرد برای استحمام کمک می‌کردند به کنشگرانی ناباب در سیستم اجتماعی تبدیل کرد. از سوی دیگر، در شهرها، کنش استحمام از دهه‌های ۱۳۷۰ تا امروز لاقل در اقلشار بالا، یا در بعضی از مشاغل، رو به یافتن تواتری هرچه بیشتر و رسیدن تدریجی و بسیار کند به موقعیت روزمره حرکت کرد. در این میان، تحلیل روابط پیچیده نظافت کلی (استحمام) به اشکال جزئی نظافت (دست و رو شستن، اصلاح و استفاده از ابزارهای آرایشی و معطر) یا اشکال مناسکی آن را نیز نباید از یاد برد. نتیجه آنکه، رابطه کنشگران با عناصری چون «آب»، «گرم» و «سرم» و عادات‌های مصرفی آنها در حوزه بهداشت نیز پهنه‌های جدیدی رو به افزایش را گشودند. محصولات بهداشت و آرایش بدن چون شامپو، صابون، نرم‌کننده مو، لوله برس به وسایل نظافت اشیا اضافه شدند و در دهه ۱۳۵۰ به حدی رسیدند بودند که کمبود آنها در دهه ۱۳۶۰ به دلیل جنگ تحمیلی و سختی‌های تامین مایحتاج مردم، تا حدودی در شهرها احساس می‌شد. پایان جنگ با وفور این محصولات نیز همراه بود به نحوی که دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ از این لحاظ شاهد وفور بی‌نیاهت این محصولات و کنش‌های همراه با آنها و اصولا بالا گرفتن گفتار مدرن «بهداشت» و «آرایش» و «زیباسازی» در رابطه‌های جدید با «بدن» و با اشیا مربوط به آن مثل ظاهر و لباس و زیستگاه، به مثابه عاملی اصلی در رابطه با «دیگری» «روبرو می‌شویم. هر چند، تغییر روش‌های زندگی و افزایش شگاف‌های طبقاتی در حالی که امروز اگر گروهی به سوی انواع و اقسام مصرف‌فناوری و لوکس از این کنش قدیمی (از استخراج گرم در مجتمع‌های گران‌قیمت گرفته تا جکوزی‌های خانگی و دوش‌های مجهز به انواع و اقسام ابزارهای کمکی برای استحمام) در اپارتمان‌هایی هر چه بزرگتر و شبیه به خانه‌های شخصی، سوق می‌یابند، در آن سوی سکه از میان رفتن تدریجی خانه‌های کوچک شخصی و اپارتمان‌نشین‌های اقشار متوسط و پایین را نیز به همراه دارد: «کولر»ها و «هوتورخانه»ها و «فن کولر»های خراب یا از کار افتاده یا غیر کارا و کهنه «مجموع»ها و «همسایگانی که رعایت حال دیگران» را نمی‌کنند، بسیاری را وامی دارد که سرانجام گاه به گرفتن دوشی با آبی با کیفیت نازل یا شور (در برخی از شهرهای محروم) یا حتی یک «دوش آب سرد» قناعت کنند.

### ادامه‌از صفحه اول

#### «شریعتی» و عرفان مدنی

با توجه به این معیارهای چهارگانه می‌توان گفت که شریعتی با داشتن هر چهار دالالت در کلیت فکری خود یک اندیشمند سیاسی محسوب می‌شود. در دالالت وضعیتی، شریعتی وضعیت موجود را در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی دچار بحران‌های حاد و به هم مرتبط می‌دید. علی شریعتی از یک‌سو با «وضعیت استعماری» که از حدود یک قرن پیش از وی بر عالم زندگی ایرانیان حاکم بود و وجهی سنگین بر سلطه ایرانی- ایلاتی افزوده بود، مواجه بود و از سوی دیگر میراث فکری معطوف به راهی را پیش از خود داشت، زمانه او عصر سلاطه چهار سر «استعمار، استثمار، استبداد و استعمار» بود که هر سر مویس سر دیگر بود و قسمی مخوف ساخته بود که مردم ایران هم در آن بودند و هم آن را بر دوش می‌کشیدند و همچنین، از سه «فاجعه انسانی» در قالب «پهنده‌های پست سرمایه‌داری»، «جمود مارکسیسم» و «چوچی آگزیستانسیالیسم» سخن می‌گفت: «... فاجعه انسان امروز، قبل از همه، یک فاجعه انسانی است. انسان به عنوان یک نوع دارد تباه می‌شود، نفی می‌شود، مسخ می‌شود. (م. آ. ص. ۶۰)

می‌توان گفت الیهات رهایی‌بخش شریعتی از «سه حلقه حسن»، یعنی «عرفان، برابری و آزادی» تشکیل شده است. شریعتی به مخاطبان خود بدیلی را ارائه کرده است تا در معرکه انتخاب، راهی را ببینند. پرسش این است که وی درباره عرفان چه گفته است و آنچه گفته است متضمن چیست؟ عرفان برای شریعتی یک فضیلت وجودی است، پاسخی برای پرسش «چگونه بودن؟» یعنی بهترینی که می‌توان بود، معنایی برای بودن. به این معنا، «عرفان» نماد عشق، والا‌یی و رهایی انسان است. انسان خود تجلی لطف و عشق است. عرفان محل رجوع فکری و عملی شریعتی نیز بود. هم شخصاً عارفانه در بطن مبارزه برای رهایی می‌زیست و هم عرفان را برای «خویشتنی» که باز گشت به آن را توصیه می‌کرد، مطلوب می‌دانست. او با مثال آوردن عین‌القضات که «شمع‌آجینش کردند» و نیز حلاج و سنایی و مولوی، «عرفان سازنده» را مطرح کرد و عرفان را مویس عدالت و مقاوم علیه زنجیرهای چهارگانه ستم و مقوم آزادی و رهایی دانست.

برای شریعتی، عرفان، برابری، آزادی بنیان‌های هستی‌شناسی است برای «آنگونه که انسان می‌تواند باشد». عرفان یک آرمان نیست، بلکه نوعی زیستمان است، یعنی نوحه‌ای از بودن است؛ یک هستی‌شناسی امکانی است که نوع خاصی از رابطه با جهان و تعبیر معینی از «چگونه بودن» و پاسخ ویژه‌ای به پرسش «چه باید کرد؟» می‌دهد که هیچ‌یک از مکاتب فکری، چه مدرن و چه سنتی این‌گونه نمی‌بینند. به تعبیر شریعتی، عدالت وجه دیگری از وجوه انسانی است، عدالت شأن انسانی است و آزادی وضع انسان در جهان، مکاتب مختلف فکر سیاسی در دوره‌های مختلف تاریخ

### فراسو

#### به انگیزه ۱۶ ژوئن پل دموکراسی



محمود اشرفی

از این پل شنبه‌ها هیچ‌کس به سرزمین مادری نمی‌رود. شنبه روز «سبت» و آرامی است یا بهانه‌های برای آزار کسانی که به کرانه خاوری رود مقدس رانده شده‌اند. پل تمثیل رسیدن؛ نماد دموکراسی و آزادی است. اما اسرائیل در چند دهه گذشته گذر فلسطینی‌های آواره در اردن را از اصلی‌ترین پل بین کرانه خاوری و باختری رود اردن، دشوار ساخته است. پل در سرزمین‌های مقدس یک داستان غم‌انگیز قدیمی است. ۶۶ سال پیش در شامگاه تقیده شانزدهمین روز ماه ژوئن گروه‌های شبه نظامی اسرائیل یزاده پل بین فلسطین و کشورها همسایه را ویران کردند. ماجرای تلخی که در فوهرستگان یادداهای سیاسی به «شب پل» معروف شده است. پل در واژگان سیاسی پندارهای گوناگونی را در ذهن‌ها جاری می‌کند. بازماندگان بلوک شرق بر خاکستر سوسیالیزم پای می‌کوبند. غباری که برمی‌خیزد نه تنها بر پل‌ها فرو می‌ریزد، بلکه کشورهای و سرزمین‌های دیگر را نیز بسته و منزوی می‌کند. بدین گونه کشورهای هم‌پیمان حتی از مسیر گذرگاه‌های بین‌المللی حذف می‌شوند. از منظر ایالات متحده آمریکا پل گذرگاهی برای انجام ماجراجویی و مداخله نظامی است. پل‌ها باید تاب سنگینی ماشین جنگی آمریکایی‌ها را داشته باشند. دموکراسی پنداری استراتژیک و همیشگی است. یادداری دموکراسی نیازمند پل و جاده نیست. نزدیکی اندیشه‌ها پل دموکراسی است. پلی که هیچ شیبی برای ویران کردن آن وجود ندارد. فراسوی مرزها و محدوده ملی؛ اندیشه‌ها نزدیک، هم سو و در هم تنیده می‌شود و آن هنگام نفرت جای خود را به شیفگی می‌دهد. دلدادگانی که پل می‌شوند تا باران گذر کنند. برای آنها شنبه، یکشنبه یا هر روز دیگری تفاوت ندارد.

### کارتون‌خواپ



آروین arvinmad@gmail.com





# IDPEX

## Iran Digital Printing Exhibition

### دومین نمایشگاه چاپ دیجیتال نشر و میگزین

تهران، ضلع غربی مجموعه آزادی، بلوار دهکده، هتل المپیک، ۲۰ خرداد تا ۲ تیر ماه ساعت بازدید: ۱۸ تا ۱۹

بهمراه سمینارها و کارگاههای آموزشی تخصصی

بازدید کنندگان محترم می‌توانند همه روزه از سرویس رایگان نمايشگاه در محل ايستگاه مترو ورزشگاه آزادی استفاده نمایند.